

مدت مدیریت مدیر تصفیه در شرکت با مسئولیت محدود

(نقد و بررسی رأی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۶۱۰۱۴۱۵ شعبه اول دیوان عالی کشور)

حسن محسنی*

چکیده

اختلافی که سالها مانع دادخواهی مدیر تصفیه یک شرکت با مسئولیت محدود بود، سرانجام با رأیی از شعبه اول دیوان عالی کشور حل و فصل شد. گرچه این رأی شعبه دیوان عالی کشور است ولی از جهت حقوقی، مبانی آن قابل بررسی است و نوع استدلال آن در دیگر موارد نیز به کارگرفتنی است. مانع دادخواهی ریشه در ابهام قوانین و مقررات و تفسیری داشت که دادگاهها از قوانین و مقررات ناظر بر تصفیه شرکت‌های تجاری به دست می‌دادند. در حقیقت، وقتی مدیر تصفیه یک شرکت با مسئولیت محدود دادخواهی می‌کرد، با این ایراد مواجه می‌شد که آیا دادخواهی‌اش داخل در مدت مأموریت است؟ این ایراد در حالی مطرح می‌شد که قانون برای مأموریتش مدتی معین نکرده بود و دادگاهها سعی می‌کردند مقررات لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت را که درباره شرکت با مسئولیت محدود نیست، نسبت به این شرکت و دادخواهی‌اش، تسری بدهند. شعبه اول دیوان عالی کشور در رأیی که خواهد آمد هم آن مقررات را بر این شرکت قابل تسری ندانست و هم اعلام کرد که مدیریت تصفیه شرکت با مسئولیت محدود می‌تواند نا محدود باشد. رأیی که به باور نگارنده مطابق با اصول حقوقی است.

واژگان کلیدی: مدت، تصفیه، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت سهامی

* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ که درباره شرکت‌های با مسئولیت محدود اجرا می‌شود، درباره مدت مأموریت مدیر تصفیه حکمی ندارد گرچه مدیر یا مدیران این شرکت برابر ماده ۱۰۴ قانون تجارت برای مدت محدود یا نامحدود معین شوند. با این وصف، مقنن در لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ برابر ماده ۲۱۴ مدت مدیریت مدیر تصفیه شرکت‌های سهامی را تا دو سال اعلام کرده است و این امر موجب گردیده، برخی دادگاه‌ها مقررات ماده اخیر را بر شرکت با مسئولیت محدود نیز قابل سرایت بدانند؛ به ویژه این که ماده ۲۱۳ به بعد قانون تجارت امور مربوط به شرکت‌های با مسئولیت محدود را در ردیف شرکت‌های سهامی قرار داده و برخی حقوق‌دانان نیز این همسانی ماهیتی دو گونه شرکت را تأیید کرده‌اند.

مدیر تصفیه یک شرکت با مسئولیت محدود که در حال تصفیه است برای برخی مطالبات موضوع تصفیه، اقدام به دادخواهی علیه خوانده می‌کند. یکبار این دادخواهی در دهه هفتاد انجام می‌شود و یکبار نیز در اواخر دهه هشتاد اقدام می‌شود و سرانجام در اواخر دهه نود مسئله‌ای که مانع دادخواهی مدیر تصفیه بود، یعنی مدت‌دار بودن یا نبودن زمان مأموریت مدیر تصفیه شرکت با مسئولیت محدود و امکان تسری مقررات لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ بر مقررات شرکت با مسئولیت محدود موضوع قانون تجارت سال ۱۳۱۱ حل و فصل می‌شود. گرچه این رأی شعبه دیوان عالی کشور است ولی از جهت حقوقی مبانی آن قابل بررسی است.

با پیگیری‌های ذی‌نفع، سرانجام شعبه اول دیوان عالی کشور به اختلاف پایان می‌دهد و احکام لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت را قابل تسری بر شرکت‌های با مسئولیت محدود نمی‌داند.

موضوع این نقد رأی و گزارش، مدت‌دار بودن یا نبودن زمان مأموریت مدیران تصفیه شرکت سهامی و ممکن بودن یا نبودن تسری احکام لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ بر مقررات حاکم بر شرکت‌های با مسئولیت محدود موضوع قانون تجارت سال ۱۳۱۱ است گرچه در کنار این مطلب،

موضوعاتی همچون دسترسی به دیوان عالی کشور، ابهام قوانین و مقررات، چند دستگی مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی و طولانی بودن مسیر دادخواهی نیز قابل بحث هستند.

در این نوشته نخست گزارشی از محتوای پرونده خواهد آمد و سپس رأی شعبه اول دیوان عالی کشور و سرانجام یادداشتی پیرامون رأی از دیدگان شما خواهد گذشت.

گزارش پرونده

مدیر تصفیه شرکت ف. ا با مسئولیت محدود و در حال تصفیه دعوایی در راستای تصفیه، به طرفیت گمرک در سال ۱۳۷۷ طرح می‌کند. پرونده به شعبه ۲۲۲ دادگاه عمومی تهران ارجاع می‌شود و این شعبه پس از رسیدگی طولانی در تاریخ ۱۳۸۰/۶/۱۲ به موجب دادنامه شماره ۴۶۳ چنین رأی می‌دهد:

«در خصوص دعوی شرکت منحل فجر انقلاب به مدیریت تصفیه آقای علی ... به طرفیت گمرک ایران (گمرک مهرآباد) به خواسته مطالبه قیمت ریالی پنج هزار عدد آی سی ... صرف نظر از این که حسب روزنامه رسمی ۱۳۶۸/۵/۱ مدیران تصفیه دو نفر یعنی آقایان علی و اخوان نیک می‌باشند علی‌ای حال نظر به نامه شماره ۳۲/۸۰/۷۲۸ مورخ ۱۳۸۰/۲/۲۷ ادره ثبت شرکت‌ها که اعلام نموده‌اند مدیران از تاریخ ۱۳۶۶/۰۱/۰۱ که شرکت مذکور منحل شده است به سمت مدیران تصفیه تعیین شده‌اند و تاکنون نسبت به اعلام ختم تصفیه اقدام نموده‌اند و نظر به این که حسب ماده ۲۱۴ قانون لایحه اصلاحی تجارت مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند که حتی نسبت به این امر ضمانت اجرایی در بند ۴ ماده ۲۶۸ همان قانون تعیین نموده است و با توجه به ماده ۲۱۳ به بعد قانون تجارت امور مربوط به شرکت‌های با مسئولیت محدود را در ردیف شرکت‌های سهامی قرار داده است علی‌ای حال نظر به این که از مدت مدیریت مدیران تصفیه در زمان تقدیم دادخواست بیش از دو سال منقضی گردیده است علی‌هذا مدیران مذکور نسبت به تمدید مدت مدیریتی خود نیز اقدام

نموده‌اند علی‌هذا سمت خواهان‌ها را از زمان تقدیم دادخواست محرز ندانسته و مستنداً به بند ۵ ماده ۸۴ و ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی قرار رد دعوی خواهان‌ها صادر و اعلام می‌گردد».

این رأی قطعی می‌شود و این بار مدیران تصفیه برای تهیه روزنامه رسمی به روز و حاوی مدت دو سال، مجمع تشکیل داده و با حذف یکی از مدیران تصفیه از مأموریت تصفیه شرکت، روزنامه رسمی جدیدی در سال ۱۳۸۲ تهیه می‌کنند.

در سال ۱۳۸۹، این شرکت با تنها مدیر تصفیه خود آقای علی و با اعطای وکالت به احد وکلای دادگستری مجدداً دعوای مطالبه ۵۰۰۰ عدد آی سی را به طرفیت گمرک طرح می‌کند.

پرونده به شعبه ۱۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران ارجاع می‌شود. با وصف ابلاغ دادخواست و ضامناً به قائم‌مقام دفتر خوانده، کسی از طرف این اداره دولتی در دادرسی شرکت نمی‌کند و این شعبه برابر دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۲۲۷۹۰۰۲۲۲ مورخ ۱۳۹۰/۰۳/۲۲ حکم به سود خواهان صادر می‌کند.

خواهان نخستین و نیز محکوم‌علیه از این دادنامه نسبت به جهاتی که مدنظرشان است، تجدیدنظرخواهی می‌کنند و پرونده این بار به شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ارجاع می‌شود.

این شعبه برابر دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۹۰۰۰۹۶ مورخ ۱۳۹۱/۲/۵ چنین رأی می‌دهد:

«درخصوص تجدیدنظرخواهی ... دادگاه در این مرحله از دادرسی پس از بررسی مندرجات پرونده تجدیدنظرخواهی به عمل آمده از ناحیه شرکت فجر انقلاب در حال تصفیه را اساساً به لحاظ عدم احراز سمت علی ... به عنوان مدیر تصفیه شرکت تجدیدنظرخواه قابل استماع نمی‌داند زیرا به دلالت سوابق امر آخرین تصمیم مجمع عمومی عادی فوق العاده شرکت در مورخه ۱۳۸۲/۱۲/۲۷ بوده که آقای علی ... را به عنوان مدیر تصفیه تعیین نموده است این در حالی است که دادخواست در سال ۱۳۸۹ تنظیم و تقدیم دادگاه گردیده است مقررات ماده ۲۱۴ قانون تجارت دلالت بر پایان مأموریت مدیر تصفیه بعد از دو سال از تاریخ تعیین آن دارد در ما نحن فیه دلیل بر تمدید مدت مأموریت آقای علی ... به عنوان مدیر تصفیه در پرونده ملاحظه نمی‌گردد و چون سمت ایشان محل خدشه بوده دادگاه تجدیدنظرخواهی مشارالیه

را قابل استماع ندانسته به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع تجدیدنظرخواهی به عمل آمده را صادر و اعلام می‌نماید. در خصوص تجدیدنظرخواهی گمرک جمهوری اسلامی ایران در بخش یاد شده دادگاه تجدیدنظرخواهی به عمل آمده را وارد دانسته به لحاظ مغایرت دادنامه تجدیدنظرخواسته با مقررات قانونی دادگاه دادنامه مذکور را در بخش مورد اعتراض شایسته نقض می‌داند زیرا تجدیدنظرخوانده شرکت فجر انقلاب با مدیریت تصفیه آقای علی ... زمانی حق طرح دعوی در محاکم دادگستری را خواهد داشت که مدیر تصفیه در خصوص رسیدگی به امور تصفیه شرکت سمت قانونی در راستای مأموریت محوله را دارا باشد در مانحن‌فیه دلیلی بر تمدید مأموریت مدیر تصفیه ملاحظه نمی‌گردد به عبارت دیگر مقررات ماده ۲۱۴ قانون تجارت رعایت نشده و از این منظر فقدان سمت مدیر تصفیه دادگاه حق استماع دعوی مطروحه از ناحیه شرکت نداشته دادگاه در این بخش با انطباق تجدیدنظرخواهی به عمل آمده با بنده ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته نظر به عدم احراز سمت آقای علی ... به عنوان مدیر تصفیه شرکت در طرح دعوی به استناد ماده ۳۵۸ و بند ۵ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی خواهان نخستین صادر و اعلام می‌نماید رأی صادره حضوری و قطعی است.

با صدور این رأی، نخستین کاری که مدیر تصفیه برای انجام مأموریت خود انجام می‌دهد این است که مجدداً مجمع عمومی شرکت را تشکیل می‌دهد و در راستای رأی دادگاه تجدیدنظر، برای تمدید مدت مأموریت از سال ۱۳۸۴ تا زمان تشکیل جلسه و دو سال بعد از آن مصوبه‌ای تهیه می‌کند و به اداره ثبت شرکت‌ها برای آگهی شدن مراجعه می‌نماید.

اداره ثبت شرکت‌ها این مصوبه را به این علت ثبت و آگهی نمی‌کند که در شرکت‌های با مسئولیت محدود، مدت مدیریت مدیران و نیز مدیر تصفیه مقید نیست و می‌تواند نامحدود باشد. در حقیقت اداره ثبت شرکت‌ها اعلام می‌کند که چون در هنگام تعیین مدیر تصفیه، برای مأموریت او مدتی معین نشده امکان تمدید آن وجود ندارد.

اینجاست که شرکت و مدیر تصفیه در تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۰۴، برای توسل به ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی اقدام می‌کند. در لایحه این شرکت اجمالاً به موارد زیر تأکید می‌شود:

حمل ناصحیح مقررات لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت که ناظر به شرکت‌های سهامی است بر شرکت با مسئولیت محدود که در عمل و در مقام دادخواهی موجب شده دعوی این شرکت مردود اعلام شود که خلاف اصل ۳۴ قانونی اساسی است؛

در این پرونده به مقررات ماده ۲۱۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت که مربوط به شرکت سهامی است استناد شده که مدت مأموریت مدیر تصفیه را ۲ سال اعلام کرده است و این مقررات بر شرکت با مسئولیت محدود تسری داده شده حال آن که این از بدیهیات مقررات حقوق و قواعد فقه است که هر موضوع تابع حکم خاص خودش است؛ به بیان فقهی احکام دائرمدار اسباب هستند و نمی‌توان احکام موضوعات متفاوت را به موضوعی دیگر حمل کرد؛ به عبارت بهتر، در حالی که مدت مأموریت مدیر تصفیه در شرکت با مسئولیت محدود برخلاف شرکت سهامی که حکم آن در ماده ۲۱۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت آمده، مطابق مواد ۲۱۴ به بعد قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، مقید به زمانی نیست و به اشتباه با اعمال ماده ۲۱۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت که مربوط به شرکت سهامی است بر شرکت با مسئولیت محدود ف.ا. که از قضا آن نیز در قانون تجارت ماده ۲۱۴ است چنین رأیی صادر شده است.

در این لایحه به نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در این خصوص تأکید شده است؛ وفق نظریه شماره ۷/۵۹۴۲ مورخ ۱۳۸۲/۰۸/۰۶ اعلام داشته: «امر تصفیه شرکت‌های غیرسهامی مشمول مقررات فصل سوم از باب سوم کتاب اول قانون تجارت من جمله مواد ۲۰۳ و ۲۱۳ و ... مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ با اصلاحات بعدی است. لذا مدت دو سال مذکور در ماده ۲۱۴ قانون اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به شرکت‌های غیرسهامی تسری ندارد.»

این درخواست در فرایند قرار می‌گیرد و سرانجام پس از ۶ سال پرونده با موافقت رییس وقت قوه قضائیه بر اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری که جایگزین ماده ۱۸ مرقوم شده است در تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۸، به شعبه اول دیوان عالی کشور ارجاع می‌شود و این شعبه با تصدی ریاست محترم دیوان عالی کشور چنین رأی می‌دهد:

رأی

«شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۹۰۰۰۹۶ - ۱۳۹۱/۲/۵ مقررات مربوط به تصفیه در شرکت‌های سهامی عام را به شرکت‌های با مسئولیت محدود تسری داده و با استدلال به ماده ۲۱۴ قانون تجارت و اعلام این‌که خواهان مدت مأموریتش در سال تقدیم دادخواست به اتمام رسیده قرار عدم استماع دعوی صادر نموده است در حالی که در ماده ۱۰۴ مبحث دوم قانون تجارت که مربوط به شرکت‌های با مسئولیت محدود می‌باشد مدیر ممکن است برای مدت نامحدود تعیین گردد علی‌هذا نظر رییس کل دادگستری استان و گروه مشاوران حوزه معاونت قضایی که به تأیید رییس محترم قوه قضائیه رسیده صائب است و مستنداً به ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری رأی فوق‌الذکر از دادگاه تجدیدنظر نقض می‌گردد از طرفی چون دادنامه بدوی به شماره ۹۰۰۲۲۲ - ۱۳۹۰/۰۳/۲۲ صادره از شعبه ۱۹ دادگاه عمومی به دلیل عدم حضور خواننده در جلسه دادگاه و عدم ارسال لایحه غیابی بوده (هر چند رأی حضوری اعلام شده) رسیدگی به واخواهی می‌بایست در همان دادگاه رسیدگی شود لذا پرونده جهت رسیدگی و بررسی تاریخ ابلاغ و تاریخ اعتراض یا واخواهی و در نهایت صدور رأی مقتضی به شعبه ۱۹ دادگاه بدوی ارجاع می‌گردد».

یادداشتی بر رأی

از نگاه مدت مأموریت مدیر تصفیه شرکت با مسئولیت محدود باید گفت قانون تجارت به این مدت نپرداخته است و تنها درباره مدیران این شرکت در ماده ۱۰۴ قانون تجارت ۱۳۱۱ چنین آمده است: «شرکت با مسئولیت محدود به وسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکا یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می‌شوند اداره می‌گردد». بر بنیاد این ماده، مدیریت شرکت با مسئولیت محدود می‌تواند نامحدود باشد و چون مستنداً به ماده ۲۱۳ همان قانون تصفیه بر عهده مدیر این شرکت است مگر این‌که در اساسنامه ترتیب دیگری آمده باشد، می‌شود گفت که مدیر تصفیه نیز ممکن است برای مدت نامحدود برگزیده شود. این نگاه از دو جهت در این پرونده مورد پذیرش نبوده است؛

یکی علت و جهتی که شعبه ۲۲۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران در رأی سال ۱۳۸۰ خود بدان استناد نموده و گفته است «با توجه به ماده ۲۱۳ به بعد قانون

تجارت امور مربوط به شرکت‌های با مسئولیت محدود را در ردیف شرکت‌های سهامی قرار داده است». به بیان دیگر، این شعبه کوشیده است بگوید چون در این ماده آن دو شرکت در ردیف هم قرار گرفته‌اند، حکم شرکت سهامی در مدت مدیریت بر حکم شرکت با مسئولیت محدود در این باره قابل تسری است. بر این اساس، از آن جا که شرکت‌های سهامی از زمان تصویب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در سال ۱۳۴۷ تابع این لایحه شده است، مدت مأموریت شرکت با مسئولیت محدود نیز همچون شرکت سهامی، دو سال خواهد بود.

علت و جهت دیگر نیز آن است که در رأی شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران آمده است و این که «مقررات ماده ۲۱۴ قانون تجارت دلالت بر پایان مأموریت مدیر تصفیه بعد از دو سال از تاریخ تعیین آن دارد». بر این اساس، شعبه ۲۹ مستقیماً شرکت با مسئولیت محدود را تابع مقررات ماده ۲۱۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت دانسته است.

این نگاه‌ها صحیح و قانونی نیست. نخست این که در ردیف هم قرار گرفتن عنوان دو شرکت در ماده ۲۱۳ قانون تجارت به دو سبب موجب تسری مقررات یکی بر دیگری نمی‌شود؛ نخست این که ماده ۲۱۳ قانون تجارت سال ۱۳۱۱ به شرکت سهامی اشاره دارد که در همین قانون آمده است نه شرکت سهامی موضوع لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در سال ۱۳۴۷ و دوم این که در ردیف هم قرار گرفتن نام این دو شرکت در آن ماده موجب وحدت ماهیت این شرکت‌ها نخواهد شد. وانگهی، گرچه برخی حقوق‌دانان نیز تأیید کرده‌اند که «شباهت‌های زیاد شرکت با مسئولیت محدود و شرکت‌های سهامی، به ویژه از نظر مسئولیت شرکا» وجود دارد ولی ایشان نیز مسئله تسری مقررات یکی بر دیگری را مطرح ننموده‌اند بلکه، «پیش‌بینی مقرراتی نظیر آنچه درباره تصفیه شرکت‌های نوع اخیر در لایحه قانون ۱۳۴۷ آمده است» را در قوانین به هنگام اصلاح قانون ضروری دانسته‌اند (اسکینی، ۱۳۹۹: ۳۱۳). به بیان دیگر، اگر چنین سخنی درست باشد، دو کار دیگر نیز قابل انجام خواهد بود یکی این که مقررات شرکت با مسئولیت محدود نیز بر شرکت‌های سهامی تسری یابد که پذیرفتنی نیست و دیگر این که در موضوع مدیریت شرکت سهامی، دادگاه‌ها می‌توانند آثار مدیریت نامحدود را در این شرکت‌ها بپذیرند که وجاهتی ندارد.

بر این بنیاد، رأی شعبه اول دیوان عالی کشور که حکم نموده «شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۹۰۰۰۹۶ - ۱۳۹۱/۲/۵ - مقررات مربوط به تصفیه در شرکت‌های سهامی عام را به شرکت‌های با مسئولیت محدود تسری داده و با استدلال به ماده ۲۱۴ قانون تجارت و اعلام این که خواهان مدت مأموریتش در سال تقدیم دادخواست به اتمام رسیده قرار عدم استماع دعوی صادر نموده است در حالی که در ماده ۱۰۴ مبحث دوم قانون تجارت که مربوط به شرکت‌های با مسئولیت محدود می‌باشد مدیر ممکن است برای مدت نامحدود تعیین گردد»، رأیی درست و اصولی است که نحوه استدلال آن در موارد دیگر نیز می‌تواند نمایانگر تفسیر صحیح از قوانین و مقررات باشد. دیوان عالی کشور در این رأی، به صراحت اعلام نموده است که اولاً مدت مأموریت مدیر تصفیه تابعی از مدت مأموریت مدیران شرکت با مسئولیت محدود است و تبعاً ممکن است نامحدود باشد و ثانیاً مقررات لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت درباره شرکت‌های سهامی قابل تسری بر شرکت با مسئولیت محدود نیست.

این پرونده و رأی اشکال دیگری در حقوق ما را نشان می‌دهد و آن چند دستگی و چند پارگی مقررات حقوق تجارت درباره شرکت‌های تجاری است. باری با تصویب قانون تجارت سال ۱۳۱۱ و سپس لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در سال ۱۳۴۷ که ترمیم مقررات شرکت‌های سهامی بود، این دو دستگی مقررات با وجود گذشت این همه سال همچنان دیده می‌شود و آن چنان که می‌بینیم، گاه دادگاه‌ها همچون شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان، تمیزی میان حکم قانون تجارت و آن لایحه نمی‌گذارند و به ویژه اگر تشابه شماره مواد و نیز هم‌سانی موضوع مواد وجود داشته باشد مانند مواد ۲۱۴ قانون تجارت و همین شماره ماده در لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، ممکن است به اشتباه افتاده و حکم یکی را در دعوای پیرامون دیگری اعمال کنند. بر بنیاد این تحلیل، بایسته است بازنگری مقررات قانون تجارت با هدف رفع ابهامات قوانین و مقررات در این باره را که از دهه ۸۰ در دست اقدام است، دوباره یادآوری شود.

پرداختن به دشواری دسترسی به دیوان عالی کشور برای اجرای اصل ۱۶۱ قانون اساسی مطلب دیگری است که باید به آن اشاره شود. این نظارت در دادرسی

مدنی باید که از راه فرجام‌خواهی اعمال شود و آن‌چنان که پیداست اینک چنین امکانی برای رأی‌های دادگاه تجدیدنظر جز مواردی که در ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی آمده و این موارد موضوعاً و حکماً دارای بیشترین ارتباط با احکام فقه و موضوعات شرع است، وجود ندارد. در پرونده حاضر نیز مدیر تصفیه شرکت که یک‌بار دادخواهی‌اش در سال ۱۳۷۷، با تصمیم شعبه ۲۲۲ دادگاه عمومی حقوقی با مانع جدی سمت مواجه شده بود، در سال ۱۳۸۹ نیز دعوای خود را تکرار می‌کند و این بار با وجود این‌که از شعبه نخستین رأی به سود شرکت دریافت می‌کند برابر رأی سال ۱۳۸۲ شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان با همان ترتیب و استدلال شعبه ۲۲۲ از دادخواهی باز می‌ماند. واضح است که رأی این شعبه از موضوعات شش‌گانه اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسبت، حجر و وقف نیست تا بتوان فرجام‌خواهی کرد و نظارت موضوع اصل ۱۶۱ قانون اساسی را از عالی‌ترین مرجع قضایی کشور خواست.

برای جبران این نقص، در این پرونده مدیر تصفیه به ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب سال ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی و تلاش برای اعمال مقررات مربوط به خلاف بین شرع یا قانون نموده است که رسیدگی به آن بیش از شش سال طول کشیده است. به بیان دیگر، این پرونده نشان می‌دهد که مدیر تصفیه برای دسترسی به دیوان عالی کشور، چه مسیر طولانی و کندی را طی نموده است که از جهت دسترسی به دیوان عالی کشور و حق اعمال نظارت موضوع اصل ۱۶۱ قانون اساسی توجیهی ندارد.

بر این بنیاد، بایسته است بار دیگر ناکارآمدی مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در باب فرجام‌خواهی به ویژه در دعوای تجاری یادآوری شود.

نتیجه‌گیری

رأی شعبه نخست دیوان عالی کشور، رأیی قانونی و اصولی است که به هر روی توانسته است یکی از ابهامات قوانین و مقررات در حوزه حقوق شرکت‌های تجاری را حل و فصل نهایی کند. بر اساس این رأی، مقررات لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت بر مقررات حاکم بر شرکت‌های با مسئولیت محدود در موضوع تصفیه قابل تسری نیست. همچنین، مدت مأموریت مدیر تصفیه شرکت با مسئولیت محدود

تابعی از مدت مأموریت مدیران این شرکت است و چون مدیران آن شرکت ممکن است نامحدود برگزیده شوند و تصفیه نیز بر عهده همین مدیران است مگر این که در اساسنامه ترتیب دیگری آمده باشد، مدت مأموریت مدیر تصفیه شرکت با مسئولیت محدود می توان نامحدود باشد.

فهرست مقالات

- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۹)، حقوق تجارت، شرکت های تجاری، جلد اول، تهران، سمت، چاپ ۲۸.
- پاسبان، محمدرضا (۱۴۰۰)، حقوق شرکت های تجاری، تهران.
- صادقی نشاط، امیر (۱۳۹۲)، حقوق تجارت برای مدیران، تهران، میزان.
- عرفانی، محمود (۱۳۹۴)، حقوق تجارت، شرکت های تجاری، جلد دوم، تهران، جنگل جاودانه.